

## «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران»

### ملت بزرگ ایران

در ایام بزرگداشت کورش بزرگ ضمن ادای احترام به پیشگاه آن یگانه تاریخ «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» را همراه با جستاری کوتاه از راه اول و راه دوم به استحضار شما ملت بزرگ می‌رسانم.

### راه اول: انقلاب مشروطه ۱۲۸۵

راه اول با اهداف «مجلس ملی» و «عدالتخانه یا قانون وقضا» درپرتو «آزادی، دموکراسی و عدالت» درانقلاب مشروطه آغاز شد، اما به دلایلی ازجمله :

آشفستگی امور، ناامنی، قحطی، اعمال نفوذ متشرعینی مانند شیخ فضل‌الله نوری که «مردم‌سالاری» را مصداق ارتداد و مستوجب قتل می‌دانست و موفق به تعبیه «هیات طراز» در مجلس ملی شد و آنرا از خاصیت انداخت، دخالت بیگانگان و ... اهداف اولیه آن به حاشیه رانده شد و برقراری امنیت جای آنرا گرفت و زمینه ظهور رضاشاه را فراهم نمود.

این روند بیش از هفت دهه ادامه یافت و علی‌رغم تلاش شخصیت‌هایی همچون «دکتر محمد مصدق» پیشوای نهضت ملی و توفیق ایشان در ملی کردن صنعت نفت و تلاش‌های دموکراسی و آزادی‌خواهانه آن بزرگمرد که متأسفانه با کودتای نظامی در هماهنگی با روحانیت، دربار و قدرت‌های خارجی درهم شکست و با وجود نوسازی در عرصه سازندگی و علی‌رغم توسعه اقتصادی کشور، توسعه سیاسی مسیری معکوس را پیمود تا آنجا که به استقرار سیستم «تک‌حزبی» در قالب «حزب رستاخیز» منجر شد و بحرانی بزرگ را به‌وجود آورد. به نحوی که اقدامات جزئی و بسیار دیرهنگام اصلاحی، توان عبور از آنرا نیافت و عملاً منجر به «انسداد راه اصلاح» گردید و در نتیجه، شما ملت بزرگ به ناچار جهت رسیدن به استقلال، آزادی، دموکراسی و عدالت دست به انقلاب ۱۳۵۷ زدید تا «راه دوم» را تجربه کنید.

### راه دوم: انقلاب ۱۳۵۷

راه دوم که قرار بود در پرتو انقلاب ۱۳۵۷ به استقرار «آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت» بینجامد، در طی بیش از چهار دهه نه‌تنها به اهداف خود نائل نشد بلکه کشور را به قهقرا برد و آقای خمینی که وعده تاسیس رژیم «دموکراتیک‌تر» از نوع غربی آن را داده بود پس از استحکام قدرت خود، نظامی مبتنی بر «ولایت فقیه» و پس از ده سال (ولایت مطلقه فقیه) را تحمیل نمود و ناگهان فیلش یاد هندوستان کرد و از همان اوایل پیروزی در راستای هوس‌های ایدئولوژیک، صدور انقلاب، تأیید اشغال

سفارت آمریکا در تهران و به گروگان گرفتن دیپلمات‌ها و پرسنل آن، محو اسرائیل از صفحه روزگار و نیز تشویق ارتش و مردم عراق به قیام علیه حاکم آن شد، که در تضاد آشکار با فرهنگ و منش ایرانیان و در مخالفت با حقوق بین‌الملل و مناسبات «موازنه قدرت» در دوران «جنگ سرد» می‌بود که «سیاست جهانی» را به چالش کشید و زمینه تحمیل جنگ ویران‌گر هشت ساله عراق علیه ایران را فراهم کرد و بسیاری از جوانان و هموطنان ما را به شهادت، جانبازی و اسارت رساند و زیرساخت‌های کشور را ویران کرد و تعداد زیادی را هم با فتوا به کام مرگ فرستاد.

بعد از آقای خمینی، آقای علی خامنه‌ای که به اقرار خود فاقد شرایط قانونی و شرعی بود و به «بی لیاقتی خود» اذعان داشت و می‌گفت: «برای جامعه اسلامی که حتی تصور رهبری او را بکند، باید خون گریست»، در یک «اقدام متقلبانه»، «غیر قانونی و خائنانه» توسط خبرگان، منصب رهبری را غصب نمود و طی ۳۲ سال مدیریت او از طریق «سیاست‌های کلی» تعیین و اجرا شده تحت نظر او، مُلک و ملت در سراسری سقوط قرار گرفته، به نحوی که جامعه فرهنگ‌آفرین و تمدن‌ساز ایران، گرفتار «فروپاشی اخلاقی» شده، کثرت معتادین به انواع مواد روانگردان خطرناک، فساد و فحشا، غارت بیت‌المال، ظلم و ستم بی‌اندازه، سقوط فاجعه‌بار ارزش پول ملی به کمتر از ۱/۴۰۰۰، سلطه روحانیون و سپاه پاسداران بر مقدرات کشور، سقوط اقتصاد، فقر و فاقه ملت به گونه‌ای که طبق اعتراف دولت و مجلس «حدود ۶۰ میلیون ایرانی یعنی ۳/۴ مردم محتاج بسته حمایتی معیشتی ناچیز شرم‌آوری» باشند، استبداد و خودکامگی به اوج رسیده و سرکوب معترضین و «نقض سیستماتیک حقوق بشر» به رویدادهای معمول بدل شده، انزوای ایران در جهان همراه با تحریم‌های کمرشکن اقتصادی، «موجودیت کشور و بقای ملت را به مخاطره» انداخته است و در عین فقر فراگیر ملت، اموال کشور خرج دفاع از دیکتاتورهای مانند «بشار اسد» یا صرف گروه‌هایی مانند «حزب الله» لبنان یا «حماس» فلسطین می‌شود.

شما ملت غارت‌شده که تجربه انقلاب مشروطه و انقلاب ۱۳۵۷ را داشتید که علی‌رغم هزینه‌های سنگین و اهداف روشن از اهداف و مسیر اولیه منحرف و نه تنها به نتیجه نرسیدید بلکه سیر قهقرایی را مشاهده نمودید، آخرین تلاش‌های خود را از طریق «اصلاحات» به عمل آوردید تا حتی‌المقدور با «اصلاحات» ولو اندک از انقلابی دیگر اجتناب نمایید و در این راستا از سال ۱۳۷۶ دست به کار «اصلاحات» شدید و در یک دوره آن، «همزمان دو قوه مقننه و مجریه در اختیار اصلاح‌طلبان» قرار گرفت، اما «ساختار متصلب» رژیم و انعطاف ناپذیری «حاکم غاصب و مستبد» سرسختانه در مقابل آن قرار گرفت. اعتراضات دانشجویی ۱۳۷۸ را به خاک و خون کشید، در سال ۱۳۸۸ مبادرت به «کودتای انتخاباتی» کرد و معترضین را بی‌رحمانه سرکوب نمود.

شما ملت جان به لب رسیده با تجربه شکست خورده اصلاحات، در اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ با فریاد رسای «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» مهر باطل بر «پروژه اصلاح‌طلبی» زدید و دو جناحی که طی ۴ دهه حکومت می‌کنند را «نامشروع» اعلام نمودید. آن اعتراضات نیز بی‌رحمانه به خاک و خون کشیده شدند.

مجددا در آبان‌ماه ۱۳۹۸ و به دنبال افزایش غیر قانونی سه برابری قیمت بنزین اعتراضات فراگیر شما که ۲۸ استان کشور را در نوردید، جهانیان را شگفت زده کرد. این بار نیز با بی‌رحمانه‌ترین و شدیدترین وضع، اعتراضات به خاک و خون کشیده شد. ذکر این نکته ضروری است که «سران سه قوه» که مبادرت به افزایش سه برابری بهای بنزین کردند، «مطلقا اختیار و صلاحیت اتخاذ چنین تصمیمی را نداشتند»، زیرا در قانون اساسی اصولا «چنین نهادی مرکب از سران سه قوه پیش‌بینی نشده» تا بتوانند چنین تصمیماتی بگیرند.

نکته قابل توجه دیگر اینکه اعتراضات گسترده دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ «بدون هیچ‌گونه رهبری» و به صورت کاملا «خودجوش» و خودانگیخته بود و شاید مهم‌ترین علت ناکامی و عدم موفقیت آنها هم «فقدان رهبری» اعتراضات بود.

از آنجا که تلاش این است که «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» از چهارچوب علمی برخوردار باشد، علاوه بر ارائه جستاری کوتاه از راه اول و راه دوم که بدان پرداخته شد، طرح دو پرسش را ضرور دانستیم.

**الف: آیا جمهوری اسلامی قابل اصلاح است یا نه؟**

**ب: اگر جمهوری اسلامی قابل اصلاح نیست، قابل تحمل است؟**

پاسخ سوال اول را شما ملت بزرگ از دی‌ماه ۱۳۹۶ با فریاد رسای «اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» به روشنی دادید و مهر باطل بر دو جریان سیاسی که طی ۴۰ سال حکومت را قبضه کرده‌اند، زدید.

و پاسخ سوال دوم به روشنی روز منفی است. زیرا چگونه می‌توان از ملتی که افتخار جهانی آفرینش فرهنگ و تمدن را دارد و همواره «هویت ملی» او بر تارک این تمدن و فرهنگ می‌درخشیده، انتظار داشت که شاهد «غارت هویت ملی» خود باشد و غارتگر را تحمل کند؟ چگونه ممکن است رژیم را تحمل کرد که مُلک و ملت را به خاطر هوس‌های ایدئولوژیک به لبه پرتگاه برده و سه‌چهارم ملت را محتاج بسته معیشتی حمایتی خفت‌بار کرده است؟ چگونه می‌توان انتظار تحمل رژیم را داشت که هستی ملت را به باد فنا داده و چگونه می‌توان انتظار تحمل رژیم را داشت که رسماً ملت فرهنگ‌آفرین و تمدن‌ساز ایران را «محجور» و محتاج «ولی» می‌داند؟

و اما چگونه می‌توان دو بن‌بست داخلی ناشی از همان پاسخ منفی شما به پرسش «آیا جمهوری اسلامی قابل اصلاح است؟» و نیز بن‌بست خارجی ناشی از انزوای بین‌المللی و تحریم‌های کمرشکن مالی، اقتصادی و «بی‌اعتباری گذرنامه ایرانی» را نادیده گرفت؟

و چگونه می‌توان «انسداد راه اصلاح» را نادیده گرفت و تماشاگر «فروپاشی کشور شد»؟!

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید هر دو راه یعنی راه اول و راه دوم منجر به «انسداد راه اصلاحات» گردید. به گونه‌ای که راه اول به «حزب رستاخیز» و راه دوم به «ولایت مطلقه فقیه» انجامید. بنابراین، سرباز ساده و فرزند کوچک شما ملت بزرگ «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» را به پیش‌گاه شما ملت بزرگ تقدیم و پیشنهاد می‌نماید، که شامل سه مرحله می‌باشد:

(۱) مرحله گذار از جمهوری اسلامی

(۲) مرحله استقرار رژیم جدید مبتنی بر سکولاریسم، اعلامیه جهانی حقوق بشر- و دموکراسی و صد البته بازگشت به «هویت ملی» افتخارآفرین در راستای «یک ملت، یک کشور، یک دولت و یک پرچم»

(۳) مرحله استحکام نظام جدید

**اول: مرحله گذار از جمهوری اسلامی**

با توجه به «شکست تجربه اصلاح‌طلبی» و عدم امکان تحمل نظام «ولایت مطلقه فقیه» چاره‌ای جز «گذار» از جمهوری اسلامی نیست. این مرحله باید شامل «اهداف»، «استراتژی» و «تاکتیک» باشد و با توجه به زمزمه‌های آسیب به تمامیت سرزمینی، جلوگیری از خلاء قدرت، یک ضرورت قطعی می‌باشد.

## اهداف

هدف اصلی «انتقال قدرت» از طریق «مذاکره و مصالحه» می‌باشد تا از کشتار هموطنان و تخریب زیرساخت‌های کشور جلوگیری شود. البته اگر این روش موثر واقع شود و انتقال قدرت با «مذاکره و مصالحه» صورت گیرد، به همه مقامات اعم از سیاسی، دولتی، نظامی، انتظامی و اطلاعاتی «عفو و مصونیت» اعطا خواهد شد، مشروط به اینکه از هم‌اکنون علائم پذیرش را مشاهده کنیم.

## استراتژی «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران»

استراتژی «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» برای تحقق هدف «انتقال قدرت» از طریق «مذاکره و مصالحه»، مبارزه «خشونت پرهیز» می باشد و همین جا متذکر می گردد که اولاً دفاع مشروع، خشونت تلقی نمی شود و ثانياً در مبارزه «خشونت پرهیز» همه سازوکارهای یک جنگ نیز باید رعایت شود. در این استراتژی تلاش می شود، از انحراف مبارزه به سمت خشونت جلوگیری به عمل آید تا از «مسیر مذاکره محور» خارج نگردد و از تحمیل هزینه های انسانی و مادی دو طرف که در هر حال متعلق به کشور و ملت می باشند، جلوگیری شود.

## تاکتیک «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران»

در مبارزه «خشونت پرهیز» تاکتیک و برنامه عمل بر مبنای «نافرمانی مدنی» و «اعتصابات» تنظیم گردیده و معتقد است، حکومت زمانی به طور جدی، تن به مذاکره و مصالحه برای «انتقال قدرت» خواهد داد که «موازنه قدرت» به نفع مردم به وجود آید. در این خصوص «نقش مردم» بسیار اساسی خواهد بود. اگر مردم این روش تاکتیکی را قبول کنند و به فراخوان «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» جامه عمل بپوشند، «موازنه قدرت» به سرعت به نفع مردم تغییر خواهد کرد و حکومت چاره ای جز تمکین به خواست شما مردم نخواهد داشت.

به ویژه با در نظر گرفتن ورشکستگی مالی و اقتصادی کشور که نتیجه غارت بیت المال، تحریم های بین المللی و حاتم بخشی های حکومت برای حمایت از دیکتاتورها و گروه های نیابتی و نیز هزینه های بی مورد و نامتناسب نظامی و برنامه هسته ای، به نظر می رسد که «نافرمانی مدنی و اعتصابات» موثرتر از دیگر روش های مبارزاتی نتیجه خواهد داد.

## دوم: مرحله استقرار نظام آینده

«اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» بر این باور است که «دولت موقت» باید با برگزاری فراندن نمادین و کسب اجازه و اخذ مشروعیت از مردم برای مدت «یک سال» وظایف خود را ایفا و قدرت را به نهادهای انتخابی ملت واگذار کند. تشکیل دولت موقت برای جلوگیری از خلأ قدرت و در نتیجه جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج مکلف به انجام امور زیر می باشد :

۱- اداره کشور همانند یک دولت معمولی

۲- برگزاری فراندن جهت تعیین شکل حکومت آینده (مانند جمهوری، پادشاهی مشروطه و یا هر نظام دیگری)

۳- برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان به منظور تدوین پیش نویس قانون اساسی.

با توجه به تجربه‌های گذشته در فرایند تدوین قانون اساسی باید موارد زیر مورد توجه قرار گیرند:

۱) سکولاریسم، جدایی دین از نهاد حکومت، دولت و سیاست

۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ضمایم آن به عنوان بخش تفکیک ناپذیر قانون اساسی و نظام آینده و تأکید بر حقوق شهروندی مساوی برای کلیه اتباع ایران

۳) مردم سالاری با ارکان چهارگانه آن :

الف) تشکیل دادگستری مستقل، عادل و سالم

ب) پارلمان قوی، برآمده از آرای سالم، عادلانه، آزاد و رقابتی

پ) آزادی احزاب، انجمن‌ها، سندیکاها، اتحادیه‌ها، آزادی بیان و رسانه در اشکال مختلف شنیداری، دیداری، نوشتاری و غیره

ت) منتخب بودن مسئولین برای دوره معین و داشتن دولت مسئول و پاسخگو

۴) بازگشت به «هویت ملی» و فرهنگ مهر ایران زمین

۵) پیام صلح و دوستی به جهان بر پایه : بنی آدم اعضای یک پیکرند....

۶) سیستم اقتصادی تولید محور، عدالت محور و بازار نهاد

۷) تأمین اجتماعی کامل

۸) عدم تمرکز

۹) احیای محیط‌زیست با به کارگیری جدیدترین تکنولوژی و ابزارهای ممکن منطبق بر شرایط اقلیمی کشور

۱۰) مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و نفرت پراکنی در کلیه اشکال آن

۱۱) تفویض امور به متخصصین، صرف‌نظر از تعلقات مذهبی، قومی، جنسیتی و رفع کلیه تبعیض‌ها

۱۲) به رسمیت شناختن جایگاه بانوان و تضمین تساوی حقوق آن‌ها در کلیه شئون حکومتی، دولتی، قضایی، اجتماعی و غیره

۱۳) عدم تعطیل سیستم اداری و بوروکراسی کشور، اما آغاز پی‌گیر تغییرات بنیادین آن از ساختار استبدادی و ارتشاء‌سالاری به ساختار دموکراتیک و رشد شایسته‌سالاری برای ایفای مسئولیت‌های شایسته در بخش‌های کشوری و لشکری از جمله:

الف: ادغام دو نیروی نظامی موجود، سپاه پاسداران و ارتش درهم و تشکیل یک ارتش ملی مقتدر و مجهز به آخرین ادوات دفاعی برای حراست و حفاظت مرزهای ایران زمین

ب: تشکیل نیروی انتظامی ملی با ساختار دموکراتیک

پ: تشکیل نهاد اطلاعات و امنیت ملی

۱۴) (در راستای جبران عقب‌ماندگی پاره‌ای از مناطق کشور از جمله حاشیه مرزها باید مورد اهتمام و سوبسیدهای منطقی «تبعیض مثبت» تا زمان رسیدن به «توسعه متوازن» در سطح کشور قرار بگیرند.

۱۵) (حمایت همه‌جانبه از اقشار آسیب‌پذیر مانند کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، هنرمندان، کشاورزان و... که ستون‌پایه‌های واقعی حیات مادی و معنوی جامعه و نگهدارنده و تداوم‌بخش آن و متضمن رشد نسل اندر نسل هر جامعه محسوب می‌شوند، در صدر «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» قرار دارد.

۱۶) مبارزه بی‌امان با فسادهای نهادینه شده در اشکال گوناگون آن از جمله فساد مالی و غارت ثروت‌های ملی، رانت‌خواری، فساد اداری، فساد اخلاقی، دروغ و....

۱۷) توجه ویژه به دانش و دانش‌پژوهان و فن‌آوری‌های مدرن بشری برای اداره بهینه کشور. در این راستا مراکز آموزشی و دانشگاهی، از جمله استادها و دانشجویان در عین برخورداری از آزادی کامل در بیان نظرات خود مسئولیت سنگینی در هدایت جامعه به سوی رشد همه‌جانبه و فراگیر به عهده خواهند داشت.

۱۸) تنظیم رابطه مستقیم دانشگاه‌ها و مراکز علمی با مراکز تولید و صنعت برای رشد دائم و بی‌وقفه و پیش‌گیری از اتلاف وقت و نیرو.

### **دیگر وظایف دولت موقت**

از دیگر وظایف دولت موقت انجام «رفراندوم پیش‌نویس قانون اساسی» و در صورت تصویب آن توسط مردم تشکیل نهادهای حکومتی منطبق با آن و برگزاری انتخابات مجلس ملی و در صورت تعیین جمهوری (حسب اینکه سیستم نیمه‌پارلمانی باشد) برگزاری انتخابات ریاست جمهوری با آرای عمومی.

### **پایان کار دولت موقت و آغاز مسئولیت دولت دائم**

در نهایت با اتمام دوره مصوب دولت موقت با تشکیل نهادهای حکومتی مربوطه، پایان دولت موقت اعلام و دولت رسمی دائمی کار و مسئولیت خود را آغاز خواهد کرد.

### **سوم : مرحله استحکام**

مرحله سوم استحکام بخشیدن به نظام سکولار و دموکراتیک آینده است. تجربه نشان داده که چنانچه دولت دموکراتیک استحکام نیابد، دیکتاتوری بازتولید خواهد شد که با نمونه‌های بسیاری از این دست در تاریخ مواجه بوده‌ایم.

لذا تلاش جدی در تحکیم نظام دموکراتیک آینده از ضروریات است که عمدتاً از طریق تقویت نهادهای مدنی و واکنش قطعی و سریع نسبت به اولین بدعت‌های غیردموکراتیک در این مرحله مؤثر خواهد بود. مسأله مهم برای این سه مرحله جلوگیری از خلأ قدرت است.



«اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» معتقد است در دنیای امروز که در حال جهانی شدن هستیم، اقتصاد، سیاست و فرهنگ‌های بومی باید به چالش با اقتصاد جهانی پردازند که در این مسیر باید از طریق رقابت و همکاری به تأمین منافع ملی همت گمارند.

## موارد ویژه

۱. در «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» برآنیم که به منظور جلوگیری ازخلاً قدرت و پیش‌گیری از ناامنی و هرج و مرج، سیستم اداری و بورکراسی کشور موقتاً به‌طور کامل حفظ شده، به استثنای مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس خبرگان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دادگاه‌های انقلاب، دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت، و کلیه مراجع قضایی که با حکم حکومتی تشکیل شده، ضمناً قوانین کیفری جمهوری اسلامی ملغی و با قانون مجازات عمومی قبل از ۱۳۵۷ جایگزین می‌گردد.

اما کاستی‌های آن برطرف تا به یک ساختار کاملاً دموکراتیک متحول گردد و از گسترش بی‌رویه و غیرمنطقی آن به جد جلوگیری شود، از جمله:

الف) سازمان برنامه و بودجه با مسئولیت‌پذیری متخصصین ایران‌دوست ایفای نقش خواهد کرد. (دولت تکنوکرات)

ب) جهت تشکیل ارتش ملی با ساختار شایسته‌سالاری و دموکراتیک ادغام دو نیروی نظامی در یکدیگر ضروری می‌نماید که منحصر به دو مأموریت خواهد داشت، حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال کشور.

بدیهی است که از «دخالت نیروهای مسلح ملی در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، تجارت و فرهنگ» و هر موضوع خارج از وظایف ذاتی نظامی قاطعانه جلوگیری خواهد شد و نظامیان صرفاً بر شرف سربازی خود تکیه و انجام وظیفه خواهند کرد، امری که منشأ کرامت ملی و احترام اجتماعی و مردمی برای آنها خواهد بود و صد البته که زندگی مادی خود و خانواده‌های آنها باید در سطح بهترین استانداردهای ممکن تأمین شود.

پ) نیروی انتظامی ملی نیز تشکیل می‌شود که مسئولیت آن برقراری نظم و امنیت خواهد بود. که ضمن منع ورود به زندگی خصوصی شهروندان مسئول برقراری نظم و امنیت خواهد بود.

ت) تشکیل نهاد ملی اطلاعات و امنیت که ضمن منع ورود به زندگی خصوصی شهروندان، نسبت به تأمین امنیت درون و برون مرزی اقدام خواهد کرد.

۲. اصل حقوق ملی و منافع ملی مبتنی بر آن با رد معیارهای ایدئولوژیک و تأکید بر حقوق و منافع ملی که از عناصر متعدد از جمله تمامیت سرزمینی، وحدت ملی، استقلال، آزادی، امنیت داخلی و

خارجی، اعتبار بین‌المللی، پشتیبانی ملی، رفاه، آموزش، بهداشت، امید به زندگی تأمین اجتماعی و... تشکیل می‌شود.

در «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» تنها خط قرمز، حقوق ملی و منافع ملی مبتنی بر آن خواهد بود و بر این اساس سیاست‌های کشور رقم خواهد خورد تا اعتبار و جایگاه

بین‌المللی ایران از طریق پیام صلح و دوستی ناشی از فرهنگ مهرورزی و نفی هرگونه دشمنی و تنش‌زایی تنها از طریق رقابت، آزادی و مردم‌سالاری، توسعه سیاسی، پلورالیزم، توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و همکاری تأمین شود.

۳. در خصوص اقتصاد، چاره کار در برقراری امنیت سرمایه‌گذاری از طریق انحلال محاکم انقلاب و اصل ۴۹، منع دخالت نیروهای نظامی، شبه‌نظامی، انتظامی و اطلاعاتی در اقتصاد، تغییر سیاست خارجی و برنامه اتمی، کاهش هزینه‌های غیر ضروری نظامی، منع هزینه‌های دفاع از دیکتاتورها و گروه‌های نیابتی، برقراری رابطه دوستانه با تمام دول جهان بر پایه احترام به حقوق و منافع متقابل، منع هزینه‌های عمومی درمورد حوزه‌های مذهبی، هیأت‌ها و... تشویق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در بخش‌های متعدد از جمله توریسم و غیره، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و منابع عظیم انسانی و طبیعی و به ویژه تغییر نگرش صادرات مواد خام که متعلق به نسل‌های آینده نیز می‌باشند، به صادرات فراوری شده و تخصیص درآمدهای ناشی از آنها در پروژه‌های زیرساختی و همچنین سرمایه‌گذاری در تعمیر و بازسازی منابع فرسوده شده برای نسل‌های آینده که مستلزم راهکارهای سیاسی- تخصصی می‌باشند.

۴. «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» ایران را متعلق به همه ایرانیان چه داخل و چه خارج از کشور می‌داند و از بازگشت ایرانیانی که به هر دلیل ترک میهن کرده‌اند با گرمی استقبال می‌کند و از هرگونه تسهیلات در این باب دریغ نخواهد کرد.

۵. در «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» و تعهد آن به اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجازات اعدام و هر نوع مجازات بدنی و روحی لغو خواهد شد.

۶. در «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» که برای بازسازی کشور همکاری همگان را ضرور می‌داند، اعلام «عفو عمومی» را نه فقط برای رفع نگرانی کسانی که به هر دلیل میهن را ترک کرده‌اند، بلکه برای نیل به «انتقال قدرت» از طریق «مذاکره و مصالحه»، اجتناب ناپذیر می‌داند.

۷. «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» معتقد است برای جبران از رشدماندگی دهه‌های اخیر که از دوره‌های راه اول و دوم به ملت بزرگ ایران تحمیل شده، نیاز مبرم به رشد شتابان و همه‌جانبه دارد. از این جهت تخصیص بودجه عمده به آموزش و پرورش و بهداشت را ضرور دانسته و در صدر کار خود قرار می‌دهد و در این راستا با اعلان رایگان بودن تحصیلات از ابتدایی تا پایان دکترا، سعی در تحقق عدالت آموزشی خواهد کرد، ضمن اینکه در چهارچوب پیشنهادی ما باید بهداشت و درمان همه افراد به صورت رایگان تأمین شود.

۸. «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» توجه ویژه به بانوان و رفع تبعیض‌های جنسیتی و تلاش برای جبران اثرات ناشی از نابرابری‌های گذشته، تأمین اجتماعی کامل و حمایت از گروه‌هایی مانند کارگران، معلمان، هنرمندان، کشاورزان، دانشجویان و... را وجهه همت خود قرار می‌دهد.

۹. در راستای بازسازی اخلاقی و فرهنگی جامعه، مبارزه‌ای بی‌امان نسبت به عادات نکوهیده، چاپلوسی و دیکتاتورپروری که به‌ویژه طی چند دهه اخیر در تمامی سطوح به صورت ناهنجاری‌ها و فسادهای گوناگون نمایان و نهادینه شده، از اولویت‌ها است. البته بدین معنی که راه دوم از آغاز با خدعه و دروغ یعنی در تضاد آشکار با خدای خود و اهورای ایران‌زمین سنگ اول را کژ نهاد و با این روش نکوهیده، خدعه و دروغ را سکه رایج ساخت و نیز سرچشمه ارزش‌ها و اخلاق را خشکانده و ویران ساخت. لذا در این راستا بازگشت به «هویت ملی و فرهنگی» ایران‌زمین و تلاشی مستمر برای رفع علت‌ها بیش از پیش بایسته است.

۱۰. «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» با تروریسم و افراط‌گرایی، نفرت‌زایی در هر شکل آن مخالف و با آن قاطعانه مبارزه می‌کند.

۱۱. «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» مبتنی بر حقوق طبیعت و تفکیک‌ناپذیری آن از مجموعه حقوق انسان، بازسازی محیط زیست را در ابعاد گسترده آن وجهه همت خود قرار می‌دهد و از جمله تلاش می‌کند تأمین انرژی کشور را به سوی استفاده بیشتر از انرژی‌های تجدیدشونده مانند خورشید، باد، زمین گرمایی و... هدایت کرده و استفاده از سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد.

۱۲. در راستای عدم تمرکز و توزیع عادلانه جغرافیایی و انسانی قدرت و ثروت در چهارچوب تمامیت سرزمینی کشور، نه تنها مدیریت‌های محلی و منطقه‌ای را می‌پذیریم بلکه تعلقات فرهنگی- قومی متکثر را موجب تنوع، تلون و توسعه فرهنگی- هنری کشور دانسته و همه اقوام ایرانی که هزاران سال

ستون‌پایه‌های «همگرایی پایدار» و «وحدت ملی» ایران را در اوج توفان‌ها نیز حفظ و حراست کرده‌اند و زین پس نیز با حفظ و تکوین زبان و گویش‌های محلی خود در کنار زبان پارسی رشد خواهند کرد.

۱۳. «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» با عنایت به محدودیت‌های اقلیمی و کمبود شدید آب، صنعتی شدن کشور را یک ضرورت قطعی می‌داند به‌خصوص با توجه به پتانسیل‌های بزرگ انسانی و زیرساختی برای صنعتی شدن که این امر به نوبه خود به توسعه کشاورزی نیز کمک می‌نماید.

۱۴. «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» پدیده جهانی شدن را نه تنها یک واقعیت ناشی از رشد همه‌جانبه جوامع بشری می‌داند، بلکه خود را به عنوان یک عضو جامعه جهانی محق و موظف در گسترش و رشد همه‌جانبه در تمام عرصه‌های زندگی انسانی می‌داند و با احترام به روح و فرهنگ مهرپرور ایرانی منعکس در

بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهند آدمی

را بنیادی‌ترین زمینه همکاری مشترک جهانی در تمام عرصه‌های زندگی انسانی می‌داند و با احترام به روح روشن این فرهنگ، آمادگی خود را با پیام صلح و دوستی برای همکاری با جهان اعلام می‌کند.

«اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» دست همه مبارزانی که به تمامیت سرزمینی کشور، استقلال، مردم‌سالاری و اعلامیه جهانی حقوق بشر- و وحدت ملی، آزادی و عدالت معتقد و در این راستا مبارزه می‌کنند را می‌فشارد و اشخاص و جریان‌های سیاسی که مطالبه سهم در حکومت آینده دارند را به «صندوق آرا» در نظام سکولار دموکراتیک آن ارجاع می‌دهد.

بدین ترتیب بدیهی است که این «منشور» یک ابتکار ابتدایی می‌باشد و خالی از کاستی نخواهد بود و از انتقادهای سازنده و نظرات تکمیلی همه صاحب نظران و ملت بزرگ ایران در راستای بهتر و کامل تر شدن آن استقبال می‌کند.

در پایان، «قاسم شعله سعدی»، فرزند کوچک شما ملت بزرگ که روزهای بسیار سخت و طاقت‌فرسا و پر مخاطره‌ای را می‌گذرانید، با ارائه «اندیشه راه سوم- راه نجات ایران» هیچ ادعایی به‌جز سری که به پیشگاه شما ملت بزرگ و در راه آزادی و استقلال ایران عزیزمان تقدیم می‌کند، ندارد.

سرفراز ملت ایران

پاینده ایران

دهم آبان ۱۳۹۹